

Identifying the Dimensions of Marital Adjustment in Iranian Couples: a Qualitative Study

Namvaran Germi K^{*1}, Moradi A², Farzad, V¹, Zahra K¹

1. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran

* *Correspondent author.* Tel: +989144023873, E-mail: namvaran92@yahoo.com

Received: Apr 20, 2017 Accepted: Aug 23, 2017

ABSTRACT

Background and aim: Marital adjustment refers to the state of accommodation in marital relationship, by which spouses react to marital demands in constructive manners. Achievement in marital life depends on Adjustment and maladjustment causes tension. The purpose of the study was the identification of the dimensions of Iranian couples' marital adjustment.

Methods: The study was conducted with a qualitative approach during 2015-2016. The participants included 17 couples referring to Tabriz Yavarane Roshd Counseling Center, selected by purposive sampling. Data were gathered by semi-structured interview (up to saturation of the data). The texts of the interviews and field notes were analyzed by Conventional Qualitative Content Analysis within 16 month.

Results: Data analysis lead to extraction of 643 open codes, 196 initial concepts, 31 focused concepts and 4 categories including responsibility, mutual understanding, communicational structure and conflict resolution as the dimensions of of Iranian couples' marital adjustment.

Conclusion: Marital adjustment can be described as responsibility (commitment and life improvement), mutual understanding (realistic evaluation, acceptance, empathy, collaborative decision making and agreement), communicational structure (equal communication, moderate hierarchy and preserving the boundaries) and conflict resolution (compromise, assertive conflict resolution and abandoning aggressiveness) that can be used in couples Evaluation.

Keywords: Adjustment, Conflict, Couples, Responsibility, Understanding.

تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی

کبری ناموران گرمی^{۱*}، علیرضا مرادی^۲، ولی‌اله فرزاد^۱، کیانوش زهراکار^۱

۱. گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران
 ۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران
 * نویسنده مسئول، تلفن: ۰۹۱۴۴۰۲۳۸۷۳ ایمیل: namvaran92@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: سازگاری زناشویی حالتی از تطابق در رابطه همسری است که طی آن زوجین به مقتضیات رابطه، واکنش سازنده نشان می‌دهند. موفقیت زندگی زوجین وابسته به موفقیت آن‌ها در سازگاری زناشویی بوده و ناسازگاری منجر به تنش می‌گردد. هدف این مطالعه تعیین ابعاد سازگاری زناشویی در زوج‌های ایرانی بود.

روش: مطالعه به روش کیفی بین سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶ انجام شد. شرکت کنندگان شامل ۱۷ زن و شوهر مراجعه کننده به مرکز مشاوره یاوران رشد تبریز بودند که با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها به صورت مصاحبه نیمه ساختاریافته، گردآوری شدند. متون مصاحبه و یادداشت‌های میدانی با روش تحلیل محتوی کیفی سنتی در مدت ۱۶ ماه مورد تحلیل مضمون قرار گرفت.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها منجر به استخراج ۶۴۳ کد باز، ۱۹۶ مفهوم اولیه، ۳۱ مفهوم متمرکز، ۱۳ مضمون فرعی و ۴ مضمون (مسئولیت‌پذیری، تفاهم، ساختار ارتباطی و حل تعارض) به عنوان ابعاد سازگاری زناشویی زوج‌های ایرانی گردید. **نتیجه‌گیری:** سازگاری زناشویی زوج‌های ایرانی را می‌توان بر اساس مسئولیت‌پذیری (تعهد، بهسازی زندگی)، تفاهم (ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش، همدلی، تصمیم‌گیری مشارکتی، توافق)، ساختار ارتباطی (رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل، حفظ مرزها) و تعارض (مدارا، حل تعارض جرأت‌مندانه، ترک پرخاشگری) توصیف نمود؛ که در ارزیابی زوج‌ها می‌تواند به کار گرفته شود.

کلید واژه‌ها: تفاهم، تعارض، زوج‌ها، سازگاری، مسئولیت‌پذیری

پذیرش: ۹۶/۶/۲۶

دریافت: ۹۶/۱/۳۱

مقدمه

ازدواج مهمترین رویداد در چرخه زندگی انسان است که طی آن زوج‌ها در یک رابطه دوطرفه با همسر قرار می‌گیرند. این رابطه مهمترین رابطه زندگی هر فردی است. تعامل بخش جدائی‌ناپذیر از رابطه همسری، مانند هرگونه رابطه انسانی است و سازگاری زناشویی^۱ یکی از ملاک‌های موفقیت تعامل زوجین است (۱). سازگاری عبارتست از نوعی رفتار تطابقی که به فرد اجازه می‌دهد تا با تقاضاهای محیط مواجه شود (۲). در یک تعریف دقیق، سازگاری تمایل

به واکنش سازنده به جای واکنش مخرب به یک کنش بالقوه مخرب، دانسته شده است (۳). موندول^۲ سازگاری زناشویی را یک فرایند تکاملی در رابطه بین زوجین می‌داند که به حالتی از تطابق در حوزه‌های مختلف زوجین که ممکن است در آن‌ها تعارض وجود داشته باشد، اطلاق می‌شود (۱). در یک تعریف دیگر، سازگاری زناشویی فرایند اصلاح، سازش و دگرگونی فرد و الگوهای تعاملی زوجین به منظور دستیابی به حداکثر رضایت در رابطه دانسته شده است (۴).

² Mondol

¹ Marital Adjustment

امروزه رشد روزافزون آمار طلاق در دنیا بسیار نگران کننده است. با وجودی که ایران هنوز بر اساس آمارهای رسمی، در بین کشورهای با میزان طلاق نسبتاً پائین قرار دارد، اما طی ده سال گذشته میزان طلاق در کشور روزبه‌روز در حال افزایش بوده است (۵). این مسأله نشان‌دهنده سازگاری پائین برخی از زوج‌ها در روابط با هم بوده و پرداختن به موضوع سازگاری زناشویی به عنوان یکی از عوامل دخیل در تداوم ازدواج یا طلاق را ضروری می‌نماید. پژوهش‌ها در سال‌های گذشته نشان داده که سازگاری زناشویی در زندگی زوج‌ها پیامدهای مثبت فراوانی داشته و عدم سازگاری آن‌ها با هم، عواقب انکارناپذیری بر سلامتی و رابطه آنان به دنبال خواهد داشت. برخی از مطالعات نشان می‌دهد، سازگاری زناشویی با سلامتی زوج‌ها در ابعاد کیفیت خواب، افسردگی، استرس (۹-۶) و رضایت از زندگی (۱۰)، رضایت زناشویی (۱۱)، کیفیت زندگی، عملکرد خانواده (۱۲) و رابطه والد-فرزندی (۱۳) رابطه معناداری دارد. در مطالعه دیگری نشان داده شده است که موفقیت زندگی زوجین، وابسته به موفقیت آن‌ها در سازگاری با هم بوده و ناسازگاری زوجین منجر به تعارض و تنش می‌گردد (۱۴).

مطالعه منابع موجود نشان می‌دهد با گذشت بیش از نیم قرن از پژوهش در مورد سازگاری زناشویی، هنوز این موضوع در بین اندیشمندان حوزه روابط زوجین، جزو مباحث مهم بوده و فعالیت علمی در این زمینه به‌طور روزافزونی در جریان است. در این میان توصیف و شناخت ابعاد سازگاری زناشویی ضرورت مفهوم‌سازی آن را بیش از پیش مطرح می‌کند. در مطالعات اخیر با رویکرد کمی، ویژگی‌ها و ابعاد مختلفی برای سازگاری زناشویی در نظر گرفته شده است. اسپانیر^۱ (۱۵) در ساخت ابزار سازگاری دوتایی^۲، ۴ مؤلفه توافق، رضایت، همبستگی و ابرازگری عاطفی

را برای آن در نظر گرفته است. در ابزار تجدیدنظر شده سازگاری^۳، با حذف یکی از مؤلفه‌ها، سه مؤلفه توافق، رضایت و همبستگی در رابطه دوطرفه باقی مانده است (۱۶). در بین پژوهش‌های کیفی در دسترس در زمینه رابطه زناشویی نیز، با وجود بررسی مفاهیمی چون موفقیت ازدواج (۱۷)، رضایت زناشویی (۱۸)، هنر زوج سالم بودن (۱۹) و پیوند عاطفی زوج‌ها (۲۰) که در آن‌ها سازگاری زناشویی به عنوان یکی از ابعاد پویائی ارتباط زوجین مورد مطالعه قرار گرفته است، به نظر می‌رسد مفهوم‌سازی‌های موجود در این زمینه نارسا بوده و در مورد توصیف سازگاری زناشویی و ابعاد مفهومی آن، پژوهش‌های کیفی قابل توجهی انجام نشده است. در حالی که همان‌طور که گانونگ و کلمن^۴ (۲۱) نیز تأکید می‌کنند، تحقیق کیفی بهترین راه برای بررسی پویائی‌های خانواده و روابط خانوادگی بوده، داده‌های فوق‌العاده غنی‌تری را نسبت به رویکرد کمی فراهم می‌آورد و به لحاظ دستیابی به برخی از اهداف پژوهشی، از رویکرد کمی فراتر می‌رود؛ چرا که در رویکرد کیفی پدیده‌ها عینی و ثابت تلقی نشده، متناسب با زمینه‌شان متفاوتند (۲۲). لذا لازم است برای بررسی پدیده‌ای ذهنی و انسانی مانند سازگاری زناشویی با رویکردی کیفی به این پدیده پرداخته شود و ابعاد آن مورد شناسائی قرار گیرد.

روش کار

روش مطالعه، کیفی توصیفی و از نوع تحلیل محتوی کیفی^۵ بود. روش تحلیل محتوی کیفی به عنوان یکی از روش‌های پژوهش تفسیرگرا^۶، عبارت از تفسیر ذهنی محتوی داده‌های متنی از طریق کدگذاری و طبقه‌بندی منظم معانی موجود در آن و شناسائی مضامین و الگوهای معنایی برای توصیف پدیده مورد

³ Revised Dyadic Adjustment Scale (RDAS)

⁴ Ganong & Coleman

⁵ Qualitative Content Analyses

⁶ Interpretivist

¹ Spanier

² Dyadic Adjustment Scale (DAS)

مطالعه است (۲۳). جامعه مورد مطالعه شامل زوج‌های ایرانی در بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵ و ملاک تعیین حجم مشارکت‌کنندگان، رسیدن به اشباع^۱ بود. اشباع زمانی است که داده‌های جدید تکراری بوده و تغییری در مقوله‌ها و ویژگی‌های آن‌ها ایجاد نمی‌کنند (۲۴). البته این فرایند ذهنی است و حداقل در دو مصاحبه بعدی باید اشباع تأیید گردد (۲۵). در این پژوهش اشباع داده‌ها در ۴ مصاحبه تأیید گردید. روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع^۲ بود. در روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع، پژوهشگر با مدنظر قراردادن اختلافات کیفی، خصوصیات و موقعیت‌های مرتبط با موضوع اصلی، مضمون‌های اصلی را از مشارکت‌کنندگان متفاوت به دست می‌آورد (۲۵). ملاک اصلی ورود به پژوهش برای شرکت‌کنندگان عبارت بود از تمایل به شرکت در پژوهش، داشتن حداقل ۲۰ سال سن، تأهل و گذشتن حداقل ۱ سال از زندگی مشترک با همسر. روش انتخاب مشارکت‌کنندگان در ابتدای نمونه‌گیری، باز بوده و از طریق فراخوان عمومی انجام گردید. بعد از ظهور الگوهای مفهومی اولیه، جهت ایجاد تنوع^۳، از بین داوطلبان، مشارکت‌کنندگان متفاوت از نظر کیفیت رابطه زناشویی، جنسیت، تحصیلات، طبقات اقتصادی-اجتماعی، شغل، طول ازدواج، تعداد فرزندان و مناطق فرهنگی مصاحبه گردید. لازم به یادآوری است ویژگی‌های فردی و ارتباطی مشارکت‌کنندگان طبق خوداظهاری آنان ارزیابی شده است. بعد از ایجاد اشباع داده‌ها در مصاحبه پانزدهم، جهت اطمینان با ۲ مشارکت‌کننده از مناطق فرهنگی متفاوت نیز، مصاحبه به عمل آمد، بدین ترتیب حجم مشارکت‌کنندگان در نهایت ۱۷ نفر بود.

داده‌ها به روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌صورت فردی و با زنان و مردان داوطلب، در مرکز مشاوره

یاوران رشد تبریز جمع‌آوری گردید. متون مصاحبه تایپ و ویرایش شده، آماده تحلیل شدند. طول مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۷۰ دقیقه با میانگین ۴۳ دقیقه بود. جهت ارتقای دقت علمی یافته‌ها، براساس معیارهای لینکلن و گابا^۴ (۲۶) اقدامات زیر انجام گرفت: برای باورپذیری^۵ به این معنا که آیا شرکت‌کنندگان و پژوهشگر سازه اجتماعی را به‌طور واقعی درک کرده و به تصویر کشیده‌اند (۲۷)، موارد زیر رعایت گردید: افزایش اعتبار محقق^۶ از طریق مطالعه وسیع در متون روش‌شناسی کیفی و شرکت در کارگاه‌های پژوهش کیفی، رعایت حساسیت نظری^۷ و داشتن تجربیات حرفه‌ای و شخصی (۲۸)، ارتقای کیفیت و اعتبار مصاحبه از طریق گذراندن دوره‌های آموزشی مربوط، تهیه راهنمای مصاحبه و اجرای مصاحبه‌ها توسط شخص محقق، درگیری طولانی مدت با داده‌ها به مدت بیش از ۲ سال برای افزایش عمق تحقیق، سه‌سوسازی^۸ به روش‌های ترکیب منابع داده‌ها^۹ و ترکیب پژوهش‌گران^{۱۰} از طریق بازبینی همتا^{۱۱}، بازنگری بیرونی^{۱۲} و بازبینی شرکت‌کنندگان^{۱۳}. انتقال‌پذیری^{۱۴} یافته‌ها به بافت دیگر، از طریق مطالعه چندموردی تا اشباع داده‌ها، توصیف دقیق مشارکت‌کنندگان، زمینه آن‌ها و نحوه انجام کار محقق شد. برای اعتمادپذیری^{۱۵} یافته‌ها که به معنای اطمینان به ثبات نسبی فرایند دستیابی به نتایج است نه ثبات نتایج در طول زمان (۲۹)، تنوع بافتی مشارکت‌کنندگان و ارائه مبسوط گزارش عملکرد پژوهشی مورد توجه قرار گرفت. همچنین به

⁴ Lincoln & Guba

⁵ Credibility

⁶ Researcher Credibility

⁷ Theoretical Sensitivity

⁸ Triangulation

⁹ Data Source Triangulation

¹⁰ Investigateur Triangulation

¹¹ Peer Check

¹² External Check

¹³ Membre Check

¹⁴ Transferability

¹⁵ Dependability

¹ Saturation

² Maximum Variation Sampling

³ Variation

یافته‌ها

در این مطالعه با ۱۷ مشارکت‌کننده مصاحبه به عمل آمد که مشخصات آن‌ها به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱. مشخصات فردی اجتماعی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ویژگی	طبقات	تعداد	درصد
سطح تحصیلات	دیپلم و پائینتر	۶	۳۵
	لیسانس	۶	۳۵
	تکمیلی	۵	۲۹
جنسیت	زن	۱۴	۸۲
	مرد	۳	۱۷/۶
سن (سال)	۲۰-۲۹	۲	۱۱/۷
	۳۰-۳۹	۹	۵۳
شغل	بالای ۴۰	۶	۳۵
	بیکار/خانه‌دار	۷	۴۱
	کارمند	۷	۴۱
طبقه اجتماعی*	آزاد	۳	۱۷/۶
	پائین	۴	۲۳/۵
	متوسط	۱۱	
کیفیت رابطه همسری*	بالا	۲	۱۱/۷
	مطلوب	۶	۳۵
	تا حدی مطلوب	۶	۳۵
طول ازدواج (سال)	نامطلوب	۵	۲۹
	کمتر از ۵ سال	۴	۲۳/۵
	۶-۱۴ سال	۶	۳۵
فاصله سنی زوج (سال)	بیش از ۱۵ سال	۷	۴۱
	۳-۰ سال	۱۱	۶۴/۷
	۶-۴ سال	۳	۱۷/۶
تعداد فرزند (نفر)	بیش از ۷ سال	۳	۱۷/۶
	۰-۱	۱۱	۶۴/۷
	۲	۴	۲۳/۵
منطقه فرهنگی زوج‌ها**	بیش از ۳	۱	۶
	شمال	-	۰
	مرکز	۲	۱۱/۷
	جنوب	-	۰
	غرب	۲	۱۱/۷
زوج‌ها**	شمال‌غرب	۱۰	۵۹
	شرق	۳	۱۷/۶
	شمال شرق	-	۰

* تمام ملاک‌های پژوهش طبق خوداظهاری مشارکت‌کنندگان ارزیابی شده است. ** منظور از منطقه فرهنگی، محل اسکان مشارکت‌کنندگان قبل از ازدواج می‌باشد. در این پژوهش ایران به ۷ منطقه فرهنگی تقسیم شده است.

منظور دستیابی به تأییدپذیری^۱ به این معنا که تفسیر داده‌ها ساخته تخیلات شخص پژوهشگر نبوده و مبتنی بر داده‌ها باشد، از روش نظارت همکاران و اساتید بر مراحل تحقیق و توافق بین ذهنی آن‌ها در تحلیل داده‌ها استفاده شد.

تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوی کیفی و به کمک نرم‌افزار MAXQDA^۲ صورت گرفت. سه مرحله اصلی تحلیل محتوی عبارتند از: ۱- آماده‌سازی^۳، ۲- سازمان‌دهی^۴ و ۳- گزارش‌دهی^۵. در تحلیل محتوی کیفی استقرائی، ابتدا مفاهیم مرتبط اعم از محتوی آشکار^۶ یا پنهان^۷، به صورت واحدهای تحلیل از داده‌ها بیرون کشیده شده و در مرحله سازمان‌دهی مفاهیم از کدگذاری باز، یکپارچه‌سازی^۸، تولید طبقات و انتزاع^۹ استفاده شد و در نهایت، یافته‌ها گزارش گردید (۳۰). در این پژوهش متون مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی روی کاغذ به عنوان مواد تحلیل در نظر گرفته شد. تحلیل همزمان با اجرای مصاحبه‌ها و بصورت زیگزاگی^{۱۰} بین مصاحبه و تحلیل طبق مراحل فوق انجام گرفت و سلسله‌مراتب انتزاعی مفاهیم بصورت مفاهیم اولیه، ثانویه، متمرکز و مضامین فرعی و اصلی بدست آمد. جلب رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، محرمانگی اطلاعات، رازداری و عدم قضاوت اخلاقی در مورد اظهارات مشارکت‌کنندگان از اصول اخلاقی حاکم بر پژوهش بود.

1 Confirmability
 2 MAX Qualitative Data Analyses₁₀
 3 Preparation
 4 Organizing
 5 Reporting
 6 Manifest Content
 7 Latent Content
 8 Integrating
 9 Abstraction
 10 Zigzag

می‌شود، طی طبقه‌بندی مفاهیم اولیه، ۳۱ مفهوم متمرکز تعیین شد. سپس این ۳۱ مفهوم در قالب ۱۳ مضمون فرعی شامل تعهد، بهسازی، ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش، همدلی، تصمیم‌گیری مشارکتی، توافق، رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل، حفظ مرزها، مدارا، حل تعارض جرأت‌مندانه و ترک پرخاشگری طبقه‌بندی گردید. در پایان، مضامین فرعی در قالب ۴ مضمون اصلی شامل مسئولیت‌پذیری، تفاهم، ساختار ارتباطی و تعارض، طبقه‌بندی شدند.

در پایان تحلیل، تعداد ۶۴۳ کد باز، ۱۹۶ مفهوم اولیه، ۳۱ مفهوم متمرکز، ۱۳ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی به عنوان ابعاد مفهومی سازگاری زناشویی زوج‌ها استخراج شد. طبقه‌بندی مفاهیم مرتبط با سازگاری زناشویی در جدول ۲ نمایش داده شده است (به دلیل حجم بالای اطلاعات و رعایت اختصار، فقط ساختار مفاهیم کلّی‌تر در جدول ذکر شده و نظام طبقه‌بندی کامل مفاهیم نزد نویسندگان اصلی موجود است). همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده

جدول ۲. طبقه‌بندی مفاهیم مرتبط با سازگاری زناشویی زوج‌های ایرانی

پدیده مورد مطالعه	مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم متمرکز		
مسئولیت‌پذیری	تعهد	وفاداری	وفاداری		
		قابلیت اعتماد	قابلیت اعتماد		
	بهسازی	بهسازی رابطه همسری	تغییر خود	کمک به تغییر همسر	
		ارزیابی واقع‌بینانه	ارزیابی مثبت	اجتناب از ارزیابی منفی	
	پذیرش	پذیرش همسر	پذیرش خانواده همسر		
		همدلی	درک	انتظارات واقع‌بینانه	
	تفاهم	تصمیم‌گیری مشارکتی	مشورت	هماهنگی	
			توافق	همنوایی	
	سازگاری زناشویی	رابطه برابر	عدالت جنسیتی	عدم سلطه‌جویی	
			سلسله‌مراتب متعادل	حفظ ویژگی‌های جنسیتی	حفظ جایگاه‌ها
ساختار ارتباطی سالم		حفظ مرزها	حفظ مرزهای شخصی	حفظ مرزهای همسری	
			مدارا	کنار آمدن	صلح و آشتی
تعارض		حل تعارض جرأت‌مندانه	ابراز ناراحتی	مذاکره	عذرخواهی
			ترک پرخاشگری	ترک پرخاشگری کلامی	ترک پرخاشگری فیزیکی

ابعاد سازگاری زناشویی

بر مبنای تحلیل و طبقه‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از داده‌ها، سازگاری زناشویی عبارت است از نشان دادن واکنش سازنده به مقتضیات رابطه زناشویی و حوزه‌هایی که در آن تعارض وجود دارد. ابعاد تعیین شده برای سازگاری زناشویی در ادامه توصیف می‌شود.

۱. مسئولیت‌پذیری

از نظر اغلب مشارکت‌کنندگان، مسئولیت‌پذیری یکی از ابعاد سازگاری زناشویی در نظر گرفته شده و به معنای به‌عهده گرفتن مسئولیت زندگی زناشویی توسط زوجین است. این بعد، مؤلفه‌های تعهد و بهسازی زندگی توسط زوج‌ها را در بر می‌گیرد و از نظر مفهومی یک مفهوم اصلی نسبتاً قوی در تبیین سازگاری زناشویی به حساب می‌آید. شرکت‌کنندگان، وفاداری و قابل اعتماد بودن را از شاخص‌های تعهد و بهسازی رابطه همسری، تغییر دادن خود و کمک به تغییر همسر را به‌عنوان شاخص‌های بهسازی زندگی به حساب آوردند. در این‌جا به برخی از روایت‌ها در مورد بعد مسئولیت‌پذیری اشاره می‌شود:

من خدا رو در نظر می‌گیرم. چون مسئولیتی را که به عهده گرفتم باید درست انجام دهم. این یه وظیفه است که تو این دنیا به من داده شده. اونم خودشو در قبال من مسئول می‌دونه (مشارکت‌کننده شماره ۱۲، زن ۳۷ ساله).

هر دو تلاش می‌کنیم بیشتر فعالیت کنیم تا زندگی مون بهتر بشه (مشارکت‌کننده شماره ۱۰، زن ۲۸ ساله).

۲. تفاهم

تفاهم بین زوج‌ها یکی دیگر از ابعاد سازگاری زناشویی در نظر گرفته شده که به معنای هم‌فهمی و رسیدن به توافق است. این بعد با مؤلفه‌های خود شامل ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش، همدلی، تصمیم‌گیری مشارکتی و توافق از نظر مفهومی یکی از ابعاد مهم و قوی برای توصیف و تبیین سازگاری زناشویی می‌باشد.

از دید تعدادی از مشارکت‌کنندگان اولین مفهوم در رسیدن به تفاهم بین زوج‌ها، ارزیابی واقع‌بینانه با رویکرد مثبت و اجتناب از ارزیابی منفی می‌باشد. این مشارکت‌کنندگان قضاوت کردن، مقایسه، سوءظن و بزرگنمایی را از جمله موارد ارزیابی منفی در نظر گرفتند. برخی از شرکت‌کنندگان به موضوع پذیرش با دو محور پذیرش همسر و پذیرش خانواده همسر اشاره کردند. اغلب شرکت‌کنندگان معتقد بودند که همدلی مفهوم دیگری در رسیدن زوج‌ها به تفاهم با هم می‌باشد. به این معنا که زوج‌ها بهتر است شرایط و خواسته‌های همسر را درک کرده، انتظارات واقع‌بینانه‌ای از او داشته باشند. همچنین به نظر بعضی از شرکت‌کنندگان، تصمیم‌گیری مشارکتی هم از طریق مشورت و هماهنگی با همسر، یکی از مؤلفه‌های تفاهم زوج‌ها می‌باشد. توافق مؤلفه دیگری است که برای تفاهم زوج‌ها مطرح گردید. توافق با شاخص‌های مفهومی آن یعنی موافقت و همنوایی، مورد بحث بسیاری از مشارکت‌کنندگان بود. در این‌جا به برخی از روایت‌ها در مورد بعد تفاهم اشاره می‌شود:

ما نباید از خانم‌های شاغل مانند خانم‌های خانه‌دار انتظار داشته باشیم. مثلاً من وقتی مجرد بودم تا می‌رسیدم خونه، غذا آماده بود. اما الان برای ناهار که می‌آیم خونه، حتی اگه غذا آماده باشه، باید حداقل ۱۰ دقیقه صبر کنم تا گرم بشه. اونم من باید در خودم حل کنم که انتظاراتم متناسب با طرف مقابل باشه. اگه قرار باشه خونه طرف ما بریم یا طرف اونا باهم بحثی نداریم که کجا بریم. آخه ما معمولاً چون بچه را می‌ذاریم پیش مادر خانمم معمولاً هر روز اون جا می‌ریم و اونارو می‌بینیم. حالا جمعه‌ها هم بخوایم خونه مادر من یا خواهرم بریم مشکلی نداریم، می‌ریم (مشارکت‌کننده شماره ۲، مرد ۳۵ ساله).

توهمه چی و هر اتفاقی ما با هم هماهنگ می‌شیم. مثلاً الان تو راه بودم داشتم می‌اومدم، رنگ زد که جمعه می‌خوام مادرم اینارو دعوت کنم خونه‌مون، تو چی می‌گی؟ گفتم بذار پیام تو خونه حرف بزنیم. ما در هر

چیزی قبلاً با هم هماهنگ می‌کنیم (مشارکت‌کننده شماره ۷، زن ۴۴ ساله).

۳. ساختار ارتباطی

یکی دیگر از ابعاد سازگاری زناشویی، ساختار ارتباطی زوج‌ها یا الگوهای ارتباطی زوجین با هم بود. این بعد با مؤلفه‌های خود شامل رابطه برابر، سلسله مراتب متعادل و حفظ مرزها، از نظر مفهومی یکی از ابعاد مهم و قوی برای توصیف و تبیین سازگاری زناشویی در داده‌ها می‌باشد. اکثر مشارکت‌کنندگان به مجموعه مفاهیمی با محوریت رابطه برابر بین زن و شوهر، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم ساختار ارتباطی زوج‌ها اشاره کردند.

در این راستا دو شاخص عدالت جنسیتی و عدم سلطه‌جویی بر همسر از داده‌ها استخراج گردید. برابری جنسیتی یکی از مفاهیم بسیار قوی استخراج‌شده در حوزه رابطه برابر بود؛ که توسط اکثر مشارکت‌کنندگان بخصوص زنان به نوعی به آن اشاره می‌شد. مفاهیم جزئی‌تری با محوریت اجتناب از مردسالاری شامل عدم تحقیر زن و ترک برتری‌جویی مرد بر زن، اجتناب از زن‌سالاری و حذف قالب‌های نقش جنسیتی در این گروه طبقه‌بندی گردیدند. در مورد عدم سلطه‌جویی بر همسر، مفاهیم جزئی دیگری شامل امر و نهی نکردن، کنترل نکردن، محدود نکردن و رقابت نکردن با همسر نیز مطرح شد.

سلسله‌مراتب متعادل یکی دیگر از مؤلفه‌های نه‌چندان قوی برای ساختار ارتباطی بود. بعضی از شرکت‌کنندگان زن و مرد معتقد بودند که برای سازگاری زناشویی لازم است ویژگی‌های جنسیتی (داشتن عاطفه زنانه و مغرور نبودن زن) و جایگاه‌های زنانه و مردانه (حفظ قدرت و احترام مرد) در حد متعادل حفظ شود و زن و شوهر، نقش‌های جنسیتی خود (تأمین کردن زن توسط مرد و ایفای نقش‌های زنانگی توسط زن) را در حد متعادل ایفا نمایند.

حفظ مرزها آخرین مؤلفه ساختار ارتباطی بود. در این راستا دو شاخص حفظ مرزهای شخصی و حفظ

مرزهای همسری از داده‌ها استخراج گردید. در زمینه حفظ مرزهای همسری، بعضی از مشارکت‌کنندگان بر مفاهیمی چون پیش هم نشستن، حیه‌گیری نکردن با دیگران علیه همسر و حفظ محرمانگی مسائل مشترک تاکید داشتند. در این‌جا به برخی از روایت‌ها در مورد بعد ساختار ارتباطی اشاره می‌شود:

عموماً طرف ما، مرد این طورین. شاید بخاطر اونم همیشه می‌رن با یکی از خودشون کوچیکتر ازدواج می‌کنن، تا بتونن حرفشونو به کرسی بشونن. بخاطر همین من می‌بینم هیچوقت ما نمی‌تونیم رابطه دوستانه برقرار کنیم. چون ایشون همیشه داره از بالا به من نگاه می‌کنه، منو ارزیابی می‌کنه. نظارت و کنترل می‌کنه. از طرفی منم انتظاراتی دارم تو این مورد. من به شدت با این فرهنگ مخالفم و اونو یه جور عقب موندگی در دنیای انسانی می‌دونم. چون زن و مرد هر دو انسان هستن و در ارتباط لزومی نداره به جنسیت یا برتری‌ها فکر کرد اصلاً آدم فکر می‌کنه انگار بابا بزرگشه. اصلاً نمی‌تونه بیاد تو یه سطح با آدم رفتار کنه. بهش می‌گم چرا نمی‌تونی رابطه همسطح با من برقرار کنی؟ می‌گم که بابا تو اسیر تگرفتی که مارو، ما هم انسانیم، نیاز و علایق خاص خودمونو داریم. نمی‌شه که همیشه باب میل تو باشیم (مشارکت‌کننده شماره ۸، زن ۴۰ ساله).

همه، کاراشونو با هم انجام می‌دن. پدرم خونه رو جارو می‌زنه. مامانم اگه لازم باشه کار بیرونو انجام می‌ده. کما این که وقتی پدرم می‌رفت مسافرت و نبود، همه مسائل زندگی رو مامانم به دوش می‌کشید (مشارکت‌کننده شماره ۱۵، زن ۳۷ ساله).

۴. حل تعارض

حل تعارض یکی دیگر از ابعاد بسیار مهم و قوی سازگاری زناشویی، بر مبنای مفاهیم استخراج‌شده از داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بوده، به معنای تاکتیک‌های مقابله با تعارض و حل آن در رابطه همسری می‌باشد. این بعد با مؤلفه‌های خود شامل مدارا، حل تعارض

به من می‌رسد. شده حتی نشسته و نخوابیده که تو باید منو ببخشی (مشارکت‌کننده شماره ۱۱، زن ۳۲ ساله).

زوجی را می‌شناسم که عموماً به هم توهین می‌کنند، تحقیر می‌کنند، همدیگر و تنبیه روانی می‌کنند. مرد پرخاشگری می‌کند، همیشه داد می‌زنه و زنشو ندیدم با لفظ خوب صدا کنه. همیشه با داد و بیداد او را صدا می‌کند (مشارکت‌کننده شماره ۷، زن ۴۴ ساله).

بحث

این مطالعه نشان داد که سازگاری زناشویی را می‌توان به عنوان نشان دادن واکنش سازنده به مقتضیات رابطه زناشویی و حوزه‌هایی که در آن تعارض وجود دارد تعریف و بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری (تعهد و بهسازی زندگی)، تفاهم (ارزیابی واقع‌بینانه، پذیرش، همدلی، تصمیم‌گیری مشارکتی و توافق)، ساختار ارتباطی (رابطه برابر، سلسله‌مراتب متعادل و حفظ مرزها) و حل تعارض (مدارا، حل تعارض جرأت‌مندانه و ترک پرخاشگری) توصیف و تبیین کرد.

بر اساس نتایج مطالعه، بعد مسئولیت‌پذیری شامل دو مؤلفه تعهد (با شاخص‌های مفهومی وفاداری و قابلیت اعتماد) و بهسازی زندگی (با شاخص‌های مفهومی بهسازی رابطه همسری، تغییر خود و کمک به تغییر همسر) است. این نتایج در مفهوم تعهد با نتایج پژوهش مدنیان و همکاران (۱۷)، در مفهوم بهسازی رابطه همسری با نتایج پژوهش‌های پتی^۱ (۱۹)، و همکاران (۱۸)؛ روزبالت^۲ و همکاران (۳۱،۳) و در مفهوم اعتماد با نتایج پژوهش آسوده و همکاران (۱۸) منطبق می‌باشد. استرنبرگ^۳ نیز تعهد را به عنوان یکی از ابعاد عشق در نظر گرفته و آن را به دو نوع تعهد کوتاه مدت و بلندمدت در روابط زوجین طبقه بندی

جرأت‌مندانه و ترک پرخاشگری، از نظر مفهومی یکی از ابعاد مهم و قوی برای توصیف و تبیین سازگاری زوجها می‌باشد.

مدارا، یک مؤلفه بسیار مهم حل تعارض زناشویی بود که اکثر شرکت‌کنندگان به نوعی بر آن تأکید کردند. این مؤلفه با شاخص‌هایی چون کنار آمدن، صلح و آشتی و بخشش مشخص گردید. حل تعارض جرأت‌مندانه، مؤلفه دیگر در حل تعارض بین زوجها بود که بسیاری از شرکت‌کنندگان در قالب شاخص‌هایی چون ابراز مسالمت‌آمیز ناراحتی، مذاکره و عذرخواهی به آن اشاره نمودند.

ترک پرخاشگری یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم حل تعارض بود که اکثر شرکت‌کنندگان به آن اشاره کرده و در قالب شاخص‌های ترک پرخاشگری کلامی، ترک پرخاشگری فیزیکی و ترک پرخاشگری جنسی طبقه‌بندی شده است. در این میان ترک پرخاشگری کلامی، یکی از مفاهیم قوی در تبیین حل تعارض زناشویی بود که به نظر اغلب شرکت‌کنندگان، اهمیت بسیاری در سازگاری زناشویی دارد. در این‌جا به برخی از روایت‌ها در مورد بعد حل تعارض اشاره می‌شود:

توی حل مسائل و مشکلات چه جووری مشکلات شونو حل و فصل می‌کنن. اختلافات شونو، اختلاف طبقاتی شونو، اختلاف سنتی شونو (مشارکت‌کننده شماره ۱۵، زن ۳۷ ساله).

با اینکه من کمی عصبانی هستم اما همسرم خیلی با من مدارا می‌کنه (مشارکت‌کننده شماره ۱۳، زن ۲۸ ساله).

ناراحتی‌مو با اخم و تخم نشون می‌دم. نمی‌گم هر چی بکه هیچ چی نمی‌گم و گذشت می‌کنم. اینطور نیست ناراحت می‌شم، با نوع راه رفتن و با اخم نشون می‌دم نه با داد و بیداد. مثلاً اگه بگن بیا چایی بخور می‌گم میل ندارم (مشارکت‌کننده شماره ۳، زن ۴۰ ساله).

همسرم خیلی راحت از من تقاضای بخشش می‌کنه. چون می‌گه اگه تو از دستم ناراحت باشی یه خسارتی

¹ Petty

² Rusbult

³ Sternberg

جنسیتی و حفظ جایگاه‌ها) و حفظ مرزها (با شاخص‌های مفهومی حفظ مرزهای شخصی و حفظ مرزهای همسری) را شامل می‌شود. این نتایج در مفهوم رابطه برابر با نتایج پژوهش ایساک^۴ و همکاران (۳۶) و استنفورد^۵ و همکاران (۳۷) و در مفهوم حفظ مرزهای همسری (همبستگی) با نتایج پژوهش باسبی و همکاران (۱۶) منطبق می‌باشد. با توجه به داده‌ها مشخص شد الگوهای ارتباطی معیوب به‌صورت نابرابری و بی‌عدالتی، سلطه‌جویی و تنیدگی مرزها در بروز تعارض، نقش به‌سزایی داشته و به‌عنوان رفتارهایی مخرب به مقتضیات رابطه زناشویی تلقی می‌شوند. در مقابل، رعایت عدالت و برابری در ارتباط و اعتدال در سلسله‌مراتب خانواده از تعارض و تنش جلوگیری کرده و از نظر سازگاری زوجین، نتایج مطلوب‌تری به دنبال دارد.

بر اساس نتایج مطالعه، یکی دیگر از ابعاد سازگاری زوجین، بعد حل تعارض با مؤلفه‌های مدارا (کنار آمدن، صلح و آشتی و بخشش)، حل تعارض جرأت‌مندانه (ابراز مسالمت‌آمیز ناراحتی، مذاکره و عذرخواهی) و ترک پرخاشگری (ترک پرخاشگری کلامی، فیزیکی و جنسی) می‌باشد. این نتایج در مفهوم بخشش با نتایج پژوهش گاور^۱ و همکاران (۳۳) و در مفهوم ترک پرخاشگری با نتایج پژوهش استنفورد و همکاران (۳۷) منطبق می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن تعارض در روابط زناشویی، موضوع تاکتیک‌های حل تعارض زوجین جهت کنترل و مدیریت آن یا تشدید تعارض و تنش حائز اهمیت باشد و واکنش‌های سازنده زوجین در جهت حل تعارض مثل مدارا و جرأت‌مندی با تمام مفاهیم زیرمجموعه‌شان، به سازگاری بیشتر و واکنش‌های مخرب مثل پرخاشگری می‌تواند به تشدید تعارض و ناسازگاری بیانجامد.

کرده است (۳۲). با توجه به تعریف سازگاری زناشویی در این پژوهش، به نظر می‌رسد مسئولیت‌پذیری، تعهد به رابطه و تمایل به تغییر در خود و زندگی می‌تواند ضمن کاهش امکان بروز تعارض، منجر به بروز پاسخ‌های مناسب‌تری نسبت به مقتضیات رابطه زناشویی گردد.

بر مبنای نتایج حاصله، بعد تفاهم شامل مؤلفه‌های ارزیابی واقع‌بینانه (با شاخص‌های مفهومی ارزیابی مثبت و اجتناب از ارزیابی منفی)، پذیرش (با شاخص‌های مفهومی پذیرش همسر و پذیرش خانواده همسر)، همدلی (با شاخص‌های مفهومی درک و انتظارات واقع‌بینانه‌ای)، تصمیم‌گیری مشارکتی (با شاخص‌های مفهومی مشورت و هماهنگی) و توافق (با شاخص‌های مفهومی موافقت و همنوایی) می‌باشد. این نتایج در مفهوم تصمیم‌گیری مشارکتی با نتایج پژوهش‌های آسوده و همکاران (۱۸) و اسپانیر (۱۵)، در مفهوم پذیرش با نتایج پژوهش پتی (۱۹)، در مفهوم همدلی با نتایج پژوهش‌های گاور^۱ و همکاران (۳۳)؛ پتی (۱۹)؛ استرانگ (۳۴) و در مفهوم توافق با نتایج پژوهش‌های اسپانیر (۱۵)؛ باسبی^۲ و همکاران (۱۶) و گراهام^۳ و همکاران (۳۵) منطبق می‌باشد. با توجه به تعریف سازگاری زناشویی، به نظر می‌رسد ارزیابی واقع‌بینانه همدیگر، پذیرش هم، درک و همدلی با هم، تصمیم‌گیری مشارکتی، توافق با همسر و در مجموع تفاهم با همدیگر موجب کاهش تعارض در رابطه زناشویی گشته و همگی به‌عنوان پاسخ سازنده به مقتضیات رابطه زناشویی و در واقع بخشی از مفهوم سازگاری زناشویی تلقی می‌شوند.

بعد ساختار ارتباطی، مؤلفه‌های رابطه برابر (با شاخص‌های مفهومی عدالت جنسیتی و عدم سلطه‌جویی)، سلسله‌مراتب متعادل (با شاخص‌های مفهومی ایفای نقش‌های جنسیتی، حفظ ویژگی‌های

⁴ Isaac

⁵ Stanford

¹ Gaur

² Busby

³ Graham

اقدام کرده و نتایج را با نتایج این پژوهش مقایسه نمایند. پژوهشگران می‌توانند بر اساس ابعاد و مفاهیم اکتشاف شده در این پژوهش، برای سازگاری زناشویی ابزار سنجش طراحی کرده و با رویکرد کمی به مطالعه روابط بین ابعاد سازگاری زناشویی بپردازند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر از رساله دکتری نویسنده مسئول با عنوان «شناسایی ابعاد و ارائه یک مدل برای پیوند عاطفی زوج‌ها» با مجوز ۶۳/۴۸۸ ح استخراج شده است که با همکاری آقای دکتر هادی حسناخی، خانم دکتر مریم اردیبهشتی و خانم هانیسه خمسه، مشارکت کنندگان در پژوهش، اساتید و مسئولین دانشگاه خوارزمی تهران و مدیریت و کارکنان مرکز مشاوره یاوران رشد تبریز اجرا گردید؛ لذا پژوهشگران از همه این عزیزان سپاسگزاری می‌کنند.

در اجرای پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشت که از جمله آنها می‌توان به عدم تمایل مردان جهت شرکت در مطالعه، تابو بودن صحبت نسبت به مسائل محرمانه زناشویی در بافت ایران و ممانعت همسر بسیاری از داوطلبان از شرکت آن‌ها در پژوهش اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود مشاوران و درمانگران مسائل زناشویی در ارزیابی و مداخله جهت ارتقای سازگاری زناشویی به ابعاد آن توجه نمایند. همچنین با توجه به جنبه‌های غیرجنسی مفاهیم اکتشاف شده، به نظر می‌رسد این مفاهیم برای سازگاری در تمام روابط دوطرفه صمیمی، قابل مطالعه و بررسی باشد؛ لذا به پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌گردد با رویکرد کیفی نسبت به اکتشاف ابعاد و مفاهیم سازگاری در روابط دوطرفه صمیمی

References

- 1- Mondol, J. Marital Adjustment: Extension of psychophysical well-being. India: LAP Lambert Academic Publishing, 2014.
- 2- Bharambe KD, Baviskar PA. Study of marital adjustment in relation to some psycho-socio factor. International Journal of Humanities and Social Science nvention. 2013;2:8-10.
- 3- Rusbult CE, Martz JM, Agnew CR. The investment model scale: Measuring commitment level, satisfaction level, quality of alternatives, and investment size. Personal relationships. 1998;5(4):357-91.
- 4- Bali A, Dhingra R, Baru A. Marital adjustment of childless couples. Journal of Social Sciences. 2010;24(1):73-76.
- 5- Registry Office of Iran. <http://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4822>.
- 6- Hashmi HA, Khurshid M, Hassan I. Marital adjustment, stress and depression among working and non-working married women. Internet Journal of Medical Update. 2007;2(1):19-26.
- 7- Manju. Marital adjustment and depression. International Journal of Indian Psychology. 2016;3(59):44-51.
- 8- Srivastava, A. Marital adjustment among patients with depression. International Journal of Education and Psychological Research. 2015;4(4):21-25.
- 9- Kroth J, Roeder B, Gonzales G, Tran K, Orzech K. Dream reports and marital satisfaction. Psychological reports. 2005;96(3):647-50.
- 10- Arshad M, Mohsin MN, Mahmood K. Marital adjustment and life satisfaction among early and late marriages. Journal of Education and Practice. 2014;5(17):83-90.
- 11- Quek KM-T, Fitzpatrick J. Cultural values, self-disclosure, and conflict tactics as predictors of marital satisfaction among singaporean husbands and wives. The Family Journal. 2013;21(2):208-16.

- 12- Basharpour S, Sheykholeslami A. The relation of marital adjustment and family functions with quality of life in women. *Europe's Journal of Psychology*. 2015;11(3):432-41.
- 13- Vig, D, Jaswal, IJS. Marital adjustment: A predictor of better Maternal Relationship. *Study on Home and Communication Science*. 2012;6(2):103-106.
- 14- Sabre K. Marital Adjustment among Women: A Comparative study of nuclear and joint families. *The International Journal of Indian Psychology*. 2016;3(5):26-32.
- 15- Spanier GB. Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*. 1976;38(1):15-28.
- 16- Busby DM, Christensen C, Crane DR, Larson JH. A revision of the dyadic adjustment scale for use with distressed and nondistressed couples: Construct hierarchy and multidimensional scales. *Journal of Marital and Family Therapy*. 1995;21(3):289-308.
- 17- Madanian L, Mansor SMSS, bin Omar AH. Marital satisfaction of Iranian female students in Malaysia: a qualitative study. *3rd World Conference on Psychology, Counseling and Guidance, WCPCG*. 2012:987-93.
- 18- Asoodeh MH, Khalili S, Daneshpour M, Lavasani MG. Factors of successful marriage: Accounts from self described happy couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2010;5:2042-46.
- 19- Petty BD. Developing the art of becoming a couple: A grounded theory study of the positive influence of married and loving it. *The Qualitative Report*. 2010;15(5):1080-101.
- 20- Namvaran, GK. Identifying of the dimensions & presenting of a model for couples' affectional bond: Tehran: Kharazmi University, 2017.
- 21- Ganong L, Coleman M. Qualitative research on family relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*. 2014;31(4):451-59.
- 22- Moradi, M. A Paradigmatic transition from quantitative research to qualitative research in humanities. *Rahyaft*. 2014;57:93-116.
- 23- Hsieh H-F, Shannon SE. Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*. 2005;15(9):1277-88.
- 24- Charmaz, K. Grounded theory as an emergent method. Edited by Hesse-Biber, Sharlene Nagy and Patricia Leavy (Eds). New York: The Guilford Press, 2008.
- 25- Ranjbar H, Haghdoost Aa, Salsali M, Khoshdel A, Soleimani M, Bahrami N. Sampling in qualitative research: A Guide for beginning. *Journal of Army University Medical Science*, 2012;10(3):238-50 [Persian].
- 26- Lincoln, YS, & Guba, EG. Paradigmatic controversies, contradictions, and emerging confluences. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The handbook of qualitative research* (2nd ed., pp. 163-188). Beverly Hills, CA: Sage, 2000.
- 27- Fasihi, A. Quality management in qualitative research with the emphasis on the Grounded Theory and Ethnography. *Pazhuhesh*, 2011;3(2):45-66 [Persian].
- 28- Strauss, AL. *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for grounded theory*. Translator Afshar E. Tehran: Nei, 1990.
- 29- Mahmoudpoor, B. *Commercialization of the research with the emphasis on the human science*. Tehran: Moozeh Oulome Raftari; 2014 [Persian].
- 30- Elo S, Kyngäs H. The qualitative content analysis process. *Journal of advanced nursing*. 2008;62(1):107-15.
- 31- Rusbult CE, Verette J, Whitney GA, Slovik LF, Lipkus I. Accommodation processes in close relationships: Theory and preliminary empirical evidence. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1991;60(1):53-78.
- 32- Sternberg RJ. A triangular theory of love. *Psychological review*. 1986;93(2):119-35.
- 33- Gaur P, Bhardwaj AB. Relationship between empathy, forgiveness and marital adjustment in couples. *International Journal of Indian Psychology*. 2015;3(8):145-51.
- 34- Strong DD. *Clergy Marriages: Couple perception of marital adjustment as the husband serves as a bishop in The church of Jesus Christ of latter-day saints*, 2010.
- 35- Graham JM, Liu YJ, Jeziorski JL. The dyadic adjustment scale: A reliability generalization meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*. 2006;68(3):701-17.

- 36- Isaac, R, Shah, A. Sex roles and marital adjustment in Indian couples. *International Journal of Social Psychiatry*. 2004;50(2):129–41.
- 37- Sanford, K, Wolfe, K. What married couples want from each other during conflicts: An Investigation Of Underlying Concerns. USA: Guilford Publications, 2013.